

The auditor's opinion on the going concern and corporate bankruptcy by the moderating role of conservatism in companies listed on the Tehran Stock Exchange

Shekoufeh Nekoueizadeh¹

Received: November 4, 2023

Accepted: December 21, 2023

Abstract

Purpose: The purpose of this study is to assess the going concern opinion and bankruptcy by the moderating role of accounting conservatism in companies listed on the Tehran Stock Exchange.

Methodology: For this purpose, 137 companies listed on the Tehran Stock Exchange through systematic elimination method were selected as statistical sample during the period 2018-2022 and their data were analyzed. The statistical technique used to test the hypotheses is logistic.

Findings: The results showed that there is a direct and significant relationship between bankruptcy in companies and the going concern opinion in companies listed on the Tehran Stock Exchange as well as conservatism plays a moderating role on the relationship between bankruptcy and the going concern opinion.

Originality: The present research can greatly contribute to the expansion of the existing literature in the field of auditor's opinion on the going concern, corporate bankruptcy and accounting conservatism in Iran.

Keywords: Audit opinion, bankruptcy, conservatism, going concern opinion.

JEL Classification: G01, G33

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

1. Department of Accounting, Firoozabad Branch, Islamic Azad University, Firoozabad, Iran; (Corresponding Author). (nekoe135@gmail.com)

Cite this paper: Nekoueizadeh, N. (2023). The auditor's opinion on the going concern and corporate bankruptcy by the moderating role of conservatism in companies listed on the Tehran Stock Exchange. *Journal of Accounting & Financial Transparency*, 1(1), 65-83. [In Persian]

اظهارنظر حسابرس در خصوص تداوم فعالیت و ورشکستگی شرکت‌ها با در نظر گرفتن نقش تعدیل‌کنندگی محافظه‌کاری در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران

شکوفه نکوئی‌زاده^۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۹/۳۰

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۸/۱۳

چکیده

هدف: هدف این پژوهش، بررسی اظهارنظر حسابرس در خصوص تداوم فعالیت و ورشکستگی شرکت‌ها با در نظر گرفتن نقش تعدیل‌کنندگی محافظه‌کاری حسابداری در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران است. **روش‌شناسی:** از میان جامعه آماری به روش حذف سیستماتیک تعداد ۱۳۷ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، در طول دوره زمانی ۱۳۹۶ تا ۱۴۰۰ به عنوان نمونه آماری انتخاب گردید و داده‌ها مورد بررسی و تحلیل قرار گرفت. تکنیک آماری مورد استفاده جهت آزمون فرضیه‌ها، رگرسیون لجستیک می‌باشد. **یافته‌ها:** نتایج تحقیق نشان داد که بین ورشکستگی در شرکت‌ها و اظهارنظر حسابرس در مورد ابهام در تداوم فعالیت در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران رابطه مستقیم و معناداری وجود دارد. همچنین محافظه‌کاری حسابداری بر رابطه بین ورشکستگی در شرکت‌ها و اظهارنظر حسابرس در مورد ابهام در تداوم فعالیت شرکت‌ها نقش تعدیل‌کنندگی ایفا می‌کند. **دانش افزایی:** پژوهش حاضر می‌تواند به گسترش ادبیات موجود در زمینه اظهارنظر حسابرس در مورد ابهام در تداوم فعالیت، ورشکستگی شرکت‌ها و محافظه‌کاری حسابداری در ایران کمک شایانی نماید. **کلیدواژه‌ها:** اظهارنظر حسابرس، فرض تداوم فعالیت، محافظه‌کاری، ورشکستگی.

طبقه‌بندی موضوعی: G01, G33

۱. گروه حسابداری، واحد فیروزآباد، دانشگاه آزاد اسلامی، فیروزآباد، ایران. (nekoe135@gmail.com)

استناد: نکوئی‌زاده، شکوفه. (۱۴۰۲). اظهارنظر حسابرس در خصوص تداوم فعالیت و ورشکستگی شرکت‌ها با در نظر گرفتن نقش تعدیل‌کنندگی محافظه‌کاری در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. *حسابداری و شفافیت مالی*، ۱(۱)، ۸۳-۶۵.

مقدمه

قانون‌گذاران در کشور آمریکا در این خصوص که بسیاری از شرکت‌ها پس از دریافت یک اظهار نظر استاندارد حسابرسی (گزارش تعدیل نشده)، از بین می‌روند اظهار نگرانی کرده‌اند و در این خصوص هشدار داده‌اند که عموم مردم از فروپاشی مالی واحدهای مورد رسیدگی توسط حسابرسان هراس دارند و به همین خاطر نیز حسابرسان را متهم به کوتاهی می‌کنند (ریاد و یزگل^۱، ۲۰۱۸). به طور کلی حسابرسان، از طریق اظهار نظر حسابرسی در خصوص ابهام در تداوم فعالیت به ارزیابی خود در مورد این که آیا واحد مورد رسیدگی توانایی ادامه حیات خود را دارد یا خیر، پاسخ می‌دهند. کیدا^۲ (۱۹۸۰) و موتچلر^۳ (۱۹۸۴) اعتقاد دارند که وقتی واحدهای مورد رسیدگی دچار ورشکستگی می‌شوند، اما پیش از آن اظهار نظر حسابرسی در خصوص ابهام در تداوم فعالیت دریافت نکرده باشند، حسابرسان با یک خطر بزرگ اقتصادی مواجه خواهند شد. تحقیقات پیشین (به عنوان نمونه گیگر و همکاران^۴، ۲۰۰۵؛ فیلدمان^۵ و ریاد، ۲۰۱۰؛ کارسون و همکاران^۶، ۲۰۱۳) نشان می‌دهد که حسابرسان، در حدود ۵۰ درصد موارد با اشتباهات نوع دو (به عنوان مثال، انتشار یک گزارش حسابرسی تعدیل نشده در سال قبل از ورشکستگی) مواجه می‌شوند.

پژوهش‌های انجام شده مربوط به اظهار نظر در مورد ابهام در تداوم فعالیت قبل از ورشکستگی واحدهای مورد رسیدگی نشان داده‌اند که پس از فروپاشی انرون، حسابرسان محافظه‌کارانه‌تر شده‌اند. برای مثال، گیگر و همکاران (۲۰۰۵) گزارش کرده‌اند که که در آمریکا در دوره بعد از تصویب قانون ساربینر آکسلی (سال‌های ۲۰۰۲-۲۰۰۳) نسبت به سال‌های قبل از آن (سال‌های ۲۰۰۰-۲۰۰۱) تعداد بیشتری از گزارش‌های حسابرسی شامل بند ابهام در تداوم فعالیت بوده است. بعد از آن نیز فیلدمان و ریاد (۲۰۱۰) به تحقیق در این خصوص اظهار نظرهای حسابرسی ارائه شده در دوره قبل از ورشکستگی در چهار دوره زمانی ۲۰۰۰ تا ۲۰۰۸ پرداختند تا این موضوع را نشان دهند که آیا رویکرد محافظه‌کاری حسابرسان که در پژوهش گیگر و همکاران (۲۰۰۵) نشان داد شد، هنوز ادامه دارد یا موقتی بود. آنها دریافتند که نسبت دریافت اظهار نظر حسابرسی با بند ابهام در تداوم فعالیت در دوره ۲۰۰۲ تا ۲۰۰۳ نسبت به دوره ۲۰۰۰ تا ۲۰۰۱ به شدت افزایش یافت (مشابه پژوهش گیگر و همکاران، ۲۰۰۵)، اما در دوره‌های بعدی با کاهش روبرو شد و در نهایت به نسبتی مشابه با دوره قبل از تصویب قانون ساربینر آکسلی رسید.

شوک‌های بیرونی ناشی از رکود اقتصادی که موجب افزایش قابل توجهی در ورشکستگی شرکت‌های سهامی عام شد، باعث افزایش علاقه به گزارش حسابرسان در شرکت‌های دارای مشکلات مالی شد. در کشور ایران نیز در سال‌های اخیر شوک‌های بیرونی ناشی از رکود اقتصادی به شدت افزایش یافته و به نوعی شرکت‌ها با این موضوع دست و پنجه نرم می‌کنند. با این حال، شواهد اندکی در خصوص اظهار نظر حسابرس در مورد ابهام در تداوم فعالیت و نقش آن در ورشکستگی شرکت‌ها وجود دارد. بنابراین، مسأله پژوهش حاضر آن است که چه ارتباطی بین اظهار نظر حسابرس در مورد ابهام در تداوم فعالیت و ورشکستگی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران وجود دارد؟ همچنین، با توجه به این که محافظه‌کاری در حسابداری نقش مهمی در گزارشگری مالی و اظهار نظر حسابرس

¹. Read & Yezegel

². Kida

³. Mutchler

⁴. Geiger et al

⁵. Feldmann & Read

⁶. Carson et al

دارد، این سؤال مطرح می‌شود که آیا محافظه‌کاری حسابداری بر رابطه بین اظهارنظر حسابرس در مورد ابهام در تداوم فعالیت و ورشکستگی شرکت‌ها نقش تعدیل‌کنندگی دارد یا خیر؟

مبانی نظری و پیشینه پژوهش

وجود اطلاعات مالی قابل اتکاء، یکی از لازمه‌های بشر جهت پیشرفت و تولید علم است. فرد سرمایه‌گذاری که تصمیم به خرید یا فروش سهام می‌گیرد، بانکداری که در مورد تأیید یک تقاضای وام تصمیم می‌گیرد، دولتی که برای وصول درآمد مالیاتی به اظهارنامه‌های مالیاتی اتکاء می‌کند، همگی بر اطلاعاتی تکیه می‌کنند که توسط دیگران تهیه شده است. در بیشتر موارد هدف‌های تهیه‌کنندگان اطلاعات با هدف‌های استفاده‌کنندگان از آن اطلاعات متفاوت است. نیاز به وجود حسابرسان مستقل در چنین استدلالی مستتر است، یعنی افرادی باصلاحیت و صداقت حرفه‌ای که بتوانند مشخص کنند اطلاعات مالی که بر آن اتکاء می‌شود، تصویری مطلوب و کاملاً واقعیت‌آمیز است یا خیر؟ (ارباب سلیمانی و نفری، ۱۳۸۵).

نظریه کارگزاری، حسابرس را به‌عنوان نماینده مستقل سهامداران و سایر اشخاص ذی‌نفع در کنترل صحت، قابلیت اتکاء و مربوط بودن اطلاعاتی می‌شناسد که توسط مدیران واحد تجاری تهیه و ارائه می‌شود. اما به دلیل آن که کار حسابرسی مستلزم ارتباط نزدیک حسابرس با مدیران واحد تجاری است، بنابراین در این نظریه فرض می‌شود که حسابرسان ممکن است در انجام وظیفه خود، استقلال خود را حفظ نکرده و کار خود را به درستی انجام ندهند و به عبارتی در راستای منافع خود و مدیران عمل نمایند (والکر، ۲۰۰۳؛ نقل از بنی مهد، ۱۳۹۰).

به طور قانونی، قرارداد حسابرسی بین شرکت حسابرسی شونده و مدیرانش با حسابرس طرف قرارداد، منعقد می‌شود. اما سهامداران شرکت حسابرسی شونده، گروه اصلی استفاده‌کنندگان از گزارش حسابرس هستند. به عبارت دیگر، اگر چه حسابدار رسمی و صاحبکار، شرکت را به‌عنوان شخصیت حقوقی جداگانه‌ای معرفی می‌کنند که ذی‌نفع اصلی گزارش حسابرس است، اما سهامداران آن شرکت دریافت‌کنندگان و اتکاء‌کنندگان اصلی صورت‌های مالی و گزارش حسابرس هستند. اما مجموعه صورت‌های مالی، موضوع حسابرسی حسابرسان است که در هر سال برای ارائه مستقیم به سهامداران تهیه می‌شود؛ این صورت‌ها، به مثابه یک کالای عمومی در دسترس طیف‌های مختلفی از دیگر استفاده‌کنندگان قرار دارد (حساس‌یگانه، ۱۳۸۲). در نتیجه می‌توان عنوان کرد که استفاده‌کنندگان گزارش حسابرسی، طیف وسیعی شامل سهامداران، اعتباردهندگان، دولت و سایر استفاده‌کنندگان اطلاعات مالی را در بر می‌گیرد.

گزارشگری مالی در واحدهای اقتصادی، بازتاب نیازهای اطلاعاتی و انتظارات گروه‌های گوناگون استفاده‌کننده از صورت‌های مالی، همچون سرمایه‌گذاران، اعتباردهندگان، دولت و مدیران است که برای اتخاذ تصمیمات درست اقتصادی همانند برنامه‌ریزی و اعمال نظارت به این اطلاعات نیاز دارند. از سوی دیگر استفاده‌کنندگان از صورت‌های مالی، هنگامی می‌توانند به اطلاعات مالی منعکس در صورت‌های مالی اتکاء کنند که شخصی مستقل، ذی‌صلاح، مطلع و بی‌طرف نسبت به میزان اعتبار این اطلاعات، نظر حرفه‌ای ارائه کرده باشد (مرادی و فخرآبادی، ۱۳۸۸).

بنابراین، به دلیل نیاز به حسابرسی و همچنین به دلیل این که گزارش حسابرسی پل ارتباطی بین حسابرس و استفاده‌کنندگان از آن محسوب می‌شود، این گزارش بایستی از دید استفاده‌کنندگان، قابل فهم، عینی و منبع اطلاعاتی مربوط

به شمار آید. ارتباط در اینجا به این معنی است که گزارش حسابرسی باعث تغییر در تصمیم‌ها شود، در غیر این صورت استفاده‌کنندگان به گزارش حسابرسی توجه نخواهند کرد. منظور از تأثیر بر تصمیم‌گیری‌ها این است که گزارش حسابرسی دارای محتوای اطلاعاتی باشد، به عبارت دیگر بتواند بر تصمیم‌گیری‌های سرمایه‌گذاری، تصمیم‌گیری‌های اعتباری و قیمت سهام تأثیر بگذارد (مهدوی و غیوری مقدم، ۱۳۸۹).

افشای نامناسب و ناکافی در گزارش‌های مالی و عدم شفافیت اطلاعاتی در شرکت‌ها موجب می‌شود که مشکلات ناشی از تفکیک مالکیت از مدیریت افزایش یابد (فن و وانگ^۱، ۲۰۰۵). عدم ارائه اطلاعات مالی مربوط و قابل اعتماد، زیان‌های اقتصادی جبران‌ناپذیری را برای سهامداران و سایر ذی‌نفعان برون‌سازمانی به دنبال دارد. در این بین، حسابرسی مستقل از طریق اعتباردهی به صورت‌های مالی، تضمین قابلیت اتکاء و تأیید کیفیت اطلاعاتی مالی، موجب حمایت از حقوق تمامی ذی‌نفعان شرکت می‌شود. افزون بر این سرمایه‌گذاران، اعتباردهندگان و سایر ذی‌نفعان برای ارزیابی عملکرد مالی واحدهای تجاری مختلف و تصمیم‌گیری در مورد موقعیت‌های گوناگون سرمایه‌گذاری، به نتایج حسابرسی انجام شده به وسیله مؤسسات حسابرسی مستقل اتکاء می‌کنند. از این رو، هر چه کیفیت حسابرسی بیشتر باشد، ارزش، اعتبار و قابلیت پذیرش آن به وسیله استفاده‌کنندگان از صورت‌های مالی افزایش می‌یابد (اشبو و وارفیلدز، ۲۰۰۳). همچنین، اگر برداشت استفاده‌کنندگان گزارش حسابرسی از آنچه حسابرس باید ارائه دهد و یا آنچه که اکنون ارائه می‌دهد با برداشت حسابرسان مستقل متفاوت باشد، انجام حسابرسی فاقد اثربخشی لازم بوده و خدمات حسابرسی ارزش افزوده‌ای را فراهم نخواهد کرد (همت‌فر و همکاران، ۱۳۸۹). از سویی دیگر به دلیل اینکه نظر حسابرس به صورت‌های مالی ارائه می‌گردد، اگر حسابرس از صاحبکار مستقل نباشد، نظرش چیزی به اعتبار صورت‌های مالی نمی‌افزاید (انصاری و همکاران، ۱۳۹۰). به عبارت دیگر حسابرس باید دارای استقلال نسبت به صاحبکار باشد، تا گزارش حسابرسی برای استفاده‌کنندگان آن دارای ارزش باشد.

محافظه‌کاری حسابداری

چارچوب نظری گزارشگری مالی ایران با استفاده از واژه احتیاط^۲، محافظه‌کاری را به عنوان بخشی از ویژگی قابل اتکا بودن در نظر گرفته است. مطابق چارچوب نظری گزارشگری ایران، احتیاط عبارت است از کاربرد درجه‌ای از مراقبت که در اعمال قضاوت برای انجام برآورد در شرایط ابهام مورد نیاز است به گونه‌ای که درآمدها یا دارایی‌ها بیشتر از واقع و هزینه‌ها یا بدهی‌ها کمتر از واقع ارائه نشود (کمیته تدوین استانداردهای حسابداری، ۱۳۸۸). در بیانیه مفاهیم حسابداری شماره دو آمریکا نیز درباره محافظه‌کاری و تعریف آن چنین آمده است: «واکنشی محتاطانه به ابهام در تلاش برای اطمینان از این که ابهام و ریسک‌های ذاتی شرایط تجاری به گونه‌ای مناسب مدنظر قرار گرفته‌اند». در این بیانیه آمده است که اگر ابهام وجود نداشته باشد، نیازی به محافظه‌کاری نیست؛ و هرچه ابهام و ریسک بیشتری وجود داشته باشد، نیاز بیشتری به محافظه‌کاری وجود دارد (هیأت استاندارد‌های حسابداری مالی، ۱۹۸۰). بلیس^۳ (۱۹۲۴) محافظه‌کاری را با ضرب‌المثل هیچ سودی پیش‌بینی نکنید، اما همه زیان‌ها را پیش‌بینی کنید تعریف کرده

^۱. Fan & Wong

^۲. Prudence

^۳. Bliss

است (واتس، ۲۰۰۳). به نظر واتس و زیمرمن (۱۹۸۶) محافظه‌کاری یعنی این‌که حسابدار از بین ارزش‌های ممکن، برای دارایی‌ها کمترین ارزش و برای بدهی‌ها بیشترین ارزش را گزارش کند، همچنین درآمدها باید دیرتر (و نه زودتر) و هزینه‌ها زودتر (و نه دیرتر) شناسایی شوند. باسو^۱ (۱۹۹۷) محافظه‌کاری را به‌عنوان تمایل حسابداران جهت نیاز به درجه بالاتری از تأییدپذیری برای شناسایی اخبار خوب در سود نسبت به اخبار بد تعریف می‌کند. از دیدگاه تهیه‌کنندگان صورت‌های مالی، محافظه‌کاری به‌عنوان کوششی برای انتخاب روشی از روش‌های پذیرفته شده حسابداری است که به یکی از نتایج زیر منتج می‌شود (شباهنگ، ۱۳۸۱):

۱. شناخت کندتر درآمد فروش، ۲. شناخت سریع‌تر هزینه، ۳. ارزشیابی کمتر دارایی‌ها، ۴. ارزشیابی بیشتر بدهی‌ها. ملاک اکثر تعریف‌های بیان شده از محافظه‌کاری آن است که اصول حسابداری راهنمایی برای حداقل کردن انباشته سودهای گزارش شده از طریق شناسایی کندتر درآمدها، شناسایی سریع‌تر هزینه‌ها، ارزشیابی کمتر دارایی‌ها و ارزشیابی بیشتر بدهی‌ها است (دیویدسن و همکاران^۲، ۱۹۸۵؛ ولک و همکاران^۳، ۱۹۸۹؛ استیکنی و ویل^۴، ۱۹۹۴). اگرچه نوعی توافق نظر بر وجود محافظه‌کاری در تهیه صورت‌های مالی از جانب حسابداران وجود دارد، اما هنوز تعریفی جامع از آن ارائه نشده است. با این حال، در متون حسابداری دو ویژگی مهم محافظه‌کاری مورد توجه و بررسی قرار گرفته است: نخست، جانب‌داری رو به پایین ارزش دفتری سرمایه نسبت به ارزش بازار آن و دوم، گرایش به تسریع در شناسایی هزینه‌ها و تعویق در شناخت درآمدها (پرایس^۵، ۲۰۰۵). بنابراین حسابداری محافظه‌کارانه نه تنها کیفیت اقلام گزارش شده در ترازنامه را تحت تأثیر قرار می‌دهد، بلکه بر کیفیت سود گزارش شده در صورت سود و زیان نیز تأثیرگذار است (پنمن و ژانگ^۶، ۲۰۰۲).

به‌طور کلی در مورد نقش اطلاعاتی محافظه‌کاری حسابداری، دو دیدگاه کاملاً متفاوت وجود دارد. مطابق دیدگاه اول محافظه‌کاری نقش اطلاعاتی دارد، ولی بر اساس دیدگاه دوم محافظه‌کاری کیفیت اطلاعات را کاهش می‌دهد (شورورزی و برزگر خاندوزی، ۱۳۸۸). به اعتقاد طرفداران دیدگاه اول (به‌عنوان نمونه، استرلینگ^۷، ۱۹۷۰؛ باسو، ۱۹۹۷؛ واتس، ۲۰۰۳؛ فرانسیس و همکاران، ۲۰۰۴؛ واگن‌هوفر و داکر^۸، ۲۰۰۷؛ گیولی و همکاران^۹، ۲۰۰۷)، محافظه‌کاری باعث افزایش مقدار اطلاعات گزارش شده در بازارهای اوراق بهادار می‌گردد و در نتیجه می‌تواند به استفاده‌کنندگان صورت‌های مالی برای تصمیم‌گیری‌های مناسب کمک کند. بر اساس تئوری نمایندگی مدیران برای افزایش منافع خود می‌کوشند تا اخبار بد مربوط به شرکت را پنهان و اخبار خوب را به‌سرعت گزارش کنند. این امر می‌تواند بر کیفیت گزارش‌های ارائه شده تأثیر منفی داشته باشد؛ اما محافظه‌کاری با تعدیل اثرهای منفی این تلاش‌ها، می‌تواند کیفیت گزارش‌های ارائه شده از سوی مدیریت را افزایش دهد و باعث شفافیت صورت‌های مالی گردد (فرانسیس و همکاران، ۲۰۰۴). پنمن و ژانگ (۲۰۰۲) نیز اعتقاد دارند که استفاده از روش‌های محافظه‌کارانه حسابداری، باعث کاهش سود گزارش شده و بهبود کیفیت سود حسابداری می‌شود، از آنجا که بسیاری از سرمایه‌گذاران تصمیم‌های

1. Basu

2. Davidson *et al.*

3. Wolk *et al.*

4. Stickney & Weil

5. Price

6. Penman & Zhang

7. Sterling

8. Wagenhofer & Ducker

9. Givoly *et al.*

خود را بر مبنای سودهای گزارش شده می‌گیرند، این امر می‌تواند برای سرمایه‌گذاران مفید باشد. لافوند^۱ و واتس (۲۰۰۸) بیان می‌کنند که محافظه‌کاری با کاهش انگیزه و توانایی مدیران برای دستکاری ارقام حسابداری موجب کاهش عدم تقارن اطلاعاتی و زیان‌های ناشی از آن می‌شود. در نتیجه سرمایه‌گذاران خواستار اعمال محافظه‌کاری در هنگام ارزیابی‌ها و ارائه گزارش‌ها هستند. به‌طور کلی بر اساس این دیدگاه حسابداری محافظه‌کارانه می‌تواند اعتبار نتایج گزارش شده حسابداری را افزایش دهد، زیرا سرمایه‌گذاران و اعتباردهندگان احتمالاً تمایل‌های میانه‌رو مدیران را در انتخاب روش‌های حسابداری محافظه‌کارانه جهت خوش‌بینی در تهیه گزارش‌های مالی مشاهده می‌کنند (دوین^۲، ۱۹۶۳). اما طرفداران دیدگاه دوم (به‌عنوان نمونه، پنمن، ۲۰۰۷؛ پاییک و همکاران^۳، ۲۰۰۷)، مخالف محافظه‌کاری هستند. به نظر آنها محافظه‌کاری باعث کاهش کیفیت اطلاعات ارائه شده در صورت‌های مالی اساسی می‌شود و این امر می‌تواند زیان‌های هنگفتی برای سرمایه‌گذاران و سایر استفاده‌کنندگان از صورت‌های مالی به همراه داشته باشد (شورورزی و برزگر خاندوزی، ۱۳۸۸). به‌اعتقاد پنمن (۲۰۰۷) مدیران تمایل دارند سود خالص را طوری اعلام کنند که در سال‌های متوالی، با یک نرخ معین رشد کند. انگیزه اصلی آنان برای انجام این کار، کسب پاداش است. در سال‌هایی که سود خالص شرکت بالاست، مدیریت نگران این موضوع است که در سال‌های بعد، سود شرکت کمتر شود و عملکرد وی نیز مورد تردید قرار گیرد. از این‌رو مدیریت تمایل دارد در محاسبه سود محافظه‌کار باشد و از این طریق، مقداری از سود را به آینده منتقل کند. سود انتقالی، در سال‌های بعد، شناسایی شده و از این طریق، وضعیت سودآوری شرکت مناسب و رو به رشد نشان داده می‌شود. این کار معمولاً از طریق انتقال درآمدها و هزینه‌های غیرعملیاتی، صورت می‌گیرد. از آنجا که ارقام نقدی، کمتر می‌تواند مورد دستکاری قرار گیرد، این کار از طریق درآمدها و هزینه‌های غیرعملیاتی تعهدی انجام می‌شود. با انجام این کار، کیفیت سود نیز کاهش می‌یابد (پنمن، ۲۰۰۷). در این دیدگاه، محافظه‌کاری به‌عنوان تمایلی جهت کم نشان دادن درآمدها معرفی می‌شود؛ درحالی‌که به‌نظر می‌رسد این تمایل کم نشان دادن درآمدها به تنهایی دلیل قانع‌کننده‌ای برای نامطلوب بودن محافظه‌کاری محسوب نمی‌شود (شورورزی و برزگر خاندوزی، ۱۳۸۸). همان‌طور که گفته شد، در چارچوب نظری گزارشگری مالی ایران محافظه‌کاری به‌عنوان بخشی از ویژگی قابل اتکا بودن در نظر گرفته شده است. همچنین پژوهش‌های انجام شده در زمینه محافظه‌کاری، گویای این واقعیت هستند که محافظه‌کاری نقش اطلاعاتی دارد و اطلاعات مفیدی را برای استفاده‌کنندگان صورت‌های مالی فراهم می‌آورد (شورورزی و برزگر خاندوزی، ۱۳۸۸).

ورشکستگی و بحران مالی

ورشکستگی و بحران مالی فرایند طولانی و پویایی است که ساختار سرمایه، عملیات و سیاست‌های سرمایه‌گذاری شرکت را تحت تأثیر قرار می‌دهد (کاهل^۴، ۲۰۰۲). وقتی شرکتی دچار بحران مالی می‌شود، وارد منطقه خطرناکی از فعالیت خود می‌شود. در این شرایط، با تشخیص بحران مالی در مراحل ابتدایی آن و انجام سریع اقدامات اصلاحی،

^۱. Lafond

^۲. Devine

^۳. Paek et al.

^۴. Kahl

می‌توان امکان خروج از منطقه خطر و با حداقل زیان ممکن را فراهم کرد (ویتاکر^۱، ۱۹۹۹). تشخیص دیرهنگام بحران مالی نیز ممکن است موجب عمیق‌تر شدن آسیب‌ها و زیان‌های وارده به شرکت و حتی در صورت وخامت اوضاع، منجر به ورشکستگی شود (سنبت و وانگ^۲، ۲۰۱۲). در ادبیات مالی طیف وسیعی از تعاریف برای توصیف بحران مالی ارائه شده است؛ به‌عنوان نمونه، می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

- کاهش ارزش دارایی‌ها به کم‌تر از یک حد مشخص.

- از دست دادن توانایی بازپرداخت بدهی‌ها.

- کافی نبودن جریان نقدی شرکت به‌منظور پرداخت بدهی‌های کوتاه‌مدت.

- کافی نبودن دارایی‌های جاری به‌منظور پرداخت بدهی‌های جاری.

- تحمل زیان‌های عملیاتی ناشی از عدم‌کارایی در دوره ۳ ساله قبل از ورشکستگی (کیدا، ۱۹۸۰؛ موچلر، ۱۹۸۴).

هوپ‌وود و همکاران^۳ (۱۹۹۴) سه نوع شکست تجاری را معرفی کردند. نوع اول قبل از تأسیس شرکت رخ می‌دهد، نوع دوم به‌علت ناتوانی در بازپرداخت بدهی‌ها به‌وجود آمده و با نشانه‌های وقوع بحران مالی در نسبت‌های مالی شرکت همراه است و در نهایت نوع سوم به‌صورت ناگهانی و بدون هیچ‌گونه نشانه‌ای از بحران مالی رخ می‌دهد. در ماده ۱۴۱ لایحه اصلاحیه قسمتی از قانون تجارت مصوب سال ۱۳۴۷ است:

اگر بر اثر زیان‌های وارده حداقل نصف سرمایه شرکت از بین برود، هیئت مدیره مکلف است بلافاصله مجمع عمومی فوق‌العاده صاحبان سهام را دعوت نماید تا موضوع انحلال یا بقای شرکت مورد شور و رأی واقع شود. هرگاه مجمع مزبور رأی به انحلال شرکت ندهد باید در همان جلسه و با رعایت مقررات ماده ۶ این قانون، سرمایه شرکت را به مبلغ سرمایه موجود کاهش دهد. در صورتی که هیئت مدیره برخلاف این ماده به دعوت مجمع عمومی فوق‌العاده مبادرت نکند و یا مجمعی که دعوت می‌شود نتواند مطابق مقررات قانونی منعقد گردد، هر ذینفع می‌تواند انحلال شرکت را از دادگاه صلاحیتدار درخواست کند (منصور، ۱۳۹۰).

چن و همکاران^۴ (۲۰۱۷) به مطالعه رابطه بین استراتژی‌های تجاری و گزارشگری حسابرس پرداختند. نتایج پژوهش آنان نشان‌دهنده آن است که بین استراتژی‌های تجاری و گزارشگری حسابرس رابطه معناداری وجود دارد. به بیان دقیق‌تر، شرکت‌هایی که دارای استراتژی نوآورانه تهاجمی^۵ (آینده‌نگر) هستند نسبت به شرکت‌هایی که دارای استراتژی تجاری رهبری هزینه تدافعی^۶ می‌باشند، بیشتر احتمال دریافت گزارش حسابرسی با بند ابهام در تداوم فعالیت را دارند. گون و همکاران^۷ (۲۰۱۷) در پژوهش به بررسی ارتباط عدم تقارن اطلاعاتی با انتخاب حسابرس، هزینه‌های حسابرسی و اظهارنظر حسابرس در مورد ابهام در تداوم فعالیت پرداختند. نتایج پژوهش آنان نشان داد که در وضعیت عدم تقارن اطلاعاتی با احتمال بیشتری حسابرسان با کیفیت‌تر (بزرگ‌تر) انتخاب شده و هزینه‌های حسابرسی نیز افزایش پیدا می‌کند. همچنین، در وضعیت عدم تقارن اطلاعاتی با احتمال بیشتری حسابرسان اظهارنظری مبتنی بر ابهام

1. Whitaker

2. Senbet & Wang

3. Hopwood *et al.*

4. Chen *et al.*

5. prospectors-strategy

6. Defender-strategy

7. Gunn *et al.*

در تداوم فعالیت ارائه می‌کنند. ریاد و یزگل (۲۰۱۸) در پژوهشی به بررسی رابطه بین ورشکستگی شرکت‌ها و اظهار نظر حسابرسی با بند ابهام در تداوم فعالیت پرداختند. نتایج پژوهش آنان نشان داد که بین ورشکستگی شرکت‌ها و اظهار نظر حسابرسی با بند ابهام در تداوم فعالیت در سال قبل از ورشکستگی رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. سمائی رهنی و پورسامان (۱۳۹۷) به بررسی تاثیر محافظه‌کاری مشروط و غیرمشروط بر اظهار نظر حسابرس در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران پرداختند. نتایج پژوهش آن‌ها نشان داد که بین محافظه‌کاری مشروط و اظهار نظر حسابرس رابطه معناداری وجود ندارد، ولی بین محافظه‌کاری غیرمشروط و اظهار نظر حسابرس رابطه منفی وجود دارد؛ عبارتی با افزایش محافظه‌کاری غیرمشروط احتمال ارئه اظهار نظر تعدیل شده کاهش می‌یابد. بهارمقدم و همکاران (۱۳۹۶) به بررسی رابطه بین توانایی مدیریت، حق الزحمه حسابرسی و تداوم فعالیت در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران پرداختند. نتایج پژوهش آنان نشان داد که بین توانایی مدیریت و حق الزحمه حسابرسان و همچنین، توانایی مدیریت با احتمال انتشار گزارش حسابرس حاوی بند تداوم فعالیت حسابرسان رابطه منفی و معناداری وجود دارد. خواجهی و قدیریان آرانی (۱۳۹۷) به بررسی رابطه بین توانایی مدیران، عملکرد مالی و خطر ورشکستگی شرکت‌ها پرداختند. نتایج پژوهش آنان نشان داد که بین توانایی مدیران و خطر ورشکستگی شرکت‌ها رابطه‌ای منفی وجود دارد و عملکرد مالی نقش متغیر میانجی کامل را در این رابطه بازی می‌کند. سمائی رهنی و پورسامان (۱۳۹۷) به بررسی تاثیر محافظه‌کاری مشروط و غیرمشروط بر اظهار نظر حسابرس در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران پرداختند. نتایج پژوهش آن‌ها نشان داد که بین محافظه‌کاری مشروط و اظهار نظر حسابرس رابطه معناداری وجود ندارد، ولی بین محافظه‌کاری غیرمشروط و اظهار نظر حسابرس رابطه منفی وجود دارد؛ عبارتی با افزایش محافظه‌کاری غیرمشروط احتمال ارئه اظهار نظر تعدیل شده کاهش می‌یابد.

فرضیه‌های پژوهش

محصول نهایی حسابرسی یک واحد تجاری، گزارشگری است که در آن، حسابرسان نسبت به صورت‌های مالی صاحبکار ارائه می‌کنند. شهادت‌دهی حسابرسان در قالب اظهار نظر حرفه‌ای آن‌ها بیان می‌شود. حسابرس در جریان برنامه‌ریزی و اجرای روش‌های حسابرسی و ارزیابی نتایج حاصل از آن باید مناسب بودن استفاده مدیریت را از فرض تداوم فعالیت در تهیه صورت‌های مالی، بررسی کند. فرض تداوم فعالیت، یک اصل بنیادی در تهیه صورت‌های مالی است. طبق فرض تداوم فعالیت، واحد مورد رسیدگی معمولاً به‌عنوان واحدی فرض می‌شود که در آینده قابل پیش‌بینی به فعالیت خود ادامه می‌دهد و قصد یا الزامی برای انحلال، توقف فعالیت، یا کاهش قابل توجه در حجم عملیات را ندارد. بنابراین، دارایی‌ها و بدهی‌ها بر مبنای توانایی واحد مورد رسیدگی در بازیافت دارایی‌ها و تسویه بدهی‌ها در جریان عادی فعالیت‌های تجاری، ثبت می‌شود. در چنین حالتی از دیدگاه ریاد و یزگل (۲۰۱۸) انتظار بر این است که بین ورشکستگی شرکت‌ها و اظهار نظر حسابرسی با بند ابهام در تداوم فعالیت ارتباط منطقی وجود داشته باشد. چارچوب نظری گزارشگری مالی ایران با استفاده از واژه احتیاط^۱، محافظه‌کاری را به عنوان بخشی از ویژگی قابل اتکا بودن در نظر گرفته است. مطابق چارچوب نظری گزارشگری ایران، احتیاط عبارت است از کاربرد درجه‌ای از

^۱. Prudence

مراقبت که در اعمال قضاوت برای انجام برآورد در شرایط ابهام مورد نیاز است به گونه‌ای که درآمدها یا دارایی‌ها بیشتر از واقع و هزینه‌ها یا بدهی‌ها کمتر از واقع ارائه نشود (کمیته تدوین استانداردهای حسابداری، ۱۳۸۸). در بیانیه مفاهیم حسابداری شماره دو امریکا نیز درباره محافظه‌کاری و تعریف آن چنین آمده است: «واکنشی محتاطانه به ابهام در تلاش برای اطمینان از این که ابهام و ریسک‌های ذاتی شرایط تجاری به گونه‌ای مناسب مدنظر قرار گرفته‌اند». در این بیانیه آمده است که اگر ابهام وجود نداشته باشد، نیازی به محافظه‌کاری نیست؛ و هرچه ابهام و ریسک بیشتری وجود داشته باشد، نیاز بیشتری به محافظه‌کاری وجود دارد (هیأت استانداردهای حسابداری مالی، ۱۹۸۰). بر این اساس، محافظه‌کاری می‌تواند به عنوان معیاری از کیفیت اطلاعات باشد. در نتیجه، انتظار بر این است که وجود محافظه‌کاری حسابداری قدرت اثرگذاری بر رابطه بین ورشکستگی شرکت‌ها و اظهارنظر حسابرسی با بند ابهام در تداوم فعالیت را داشته باشد. بر این اساس، فرضیه‌های پژوهش به صورت زیر مطرح می‌شود:

فرضیه اول: بین ورشکستگی در شرکت‌ها و اظهارنظر حسابرس در مورد ابهام در تداوم فعالیت در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران رابطه معناداری وجود دارد.

فرضیه دوم: محافظه‌کاری حسابداری بر رابطه بین ورشکستگی در شرکت‌ها و اظهارنظر حسابرس در مورد ابهام در تداوم فعالیت در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران نقش تعدیل‌کنندگی ایفا می‌کند.

این بخش شامل بیان فرضیه‌ها بر اساس مبانی نظری و خلاصه پژوهش‌ها می‌باشد.

متغیرهای پژوهش

در این پژوهش اظهارنظر حسابرس در خصوص ابهام در تداوم فعالیت متغیر وابسته است. برای اندازه‌گیری متغیر اظهارنظر حسابرس در خصوص ابهام در تداوم فعالیت از یک متغیر دو وجهی استفاده شده است. به این ترتیب که اگر شرکت گزارش حسابرسی مبتنی بر ابهام در تداوم فعالیت دریافت کرده باشد، عدد یک و در غیر این صورت عدد صفر دریافت می‌کند.

متغیر مستقل در این پژوهش ورشکستگی شرکت‌ها است. ریسک ورشکستگی با استفاده از مدل Z' آلتمن (۱۹۸۳) اندازه‌گیری شد. مدل آلتمن مشهورترین مدل پیش‌بینی ورشکستگی است و به صورت گسترده‌ای در پژوهش‌های تجربی و در عمل مورد استفاده قرار گرفته است (دیچف، ۱۹۹۸).

$$Z' = 0.717x_1 + 0.847x_2 + 3.107x_3 + 0.420x_4 + 0.998x_5 \quad \text{رابطه (۱)}$$

که در آن، Z' = شاخص کل، x_1 = نسبت سرمایه در گردش به کل دارایی‌ها، x_2 = نسبت سود انباشته به کل دارایی‌ها، x_3 = نسبت سود قبل از بهره و مالیات به کل دارایی‌ها، x_4 = نسبت ارزش دفتری سهام شرکت به ارزش دفتری کل بدهی‌ها، x_5 = نسبت فروش به کل دارایی‌ها است. در این مدل هر چه Z' کمتر باشد، درجه بحران مالی شرکت بیشتر است. به طوری که شرکت‌های با Z' بالاتر از ۲/۹ سالم و کمتر از ۱/۲۳ ورشکسته هستند. فاصله بین این دو منطقه تردید است و باید با احتیاط تفسیر شود. به طور کلی برای اهداف این پژوهش هر چه امتیاز به دست آمده کمتر باشد، ریسک ورشکستگی بیشتر می‌شود.

محافظه‌کاری حسابداری در این پژوهش متغیر تعدیل‌کننده است. حسابداری محافظه‌کارانه نه تنها کیفیت اقلام گزارش شده در ترازنامه را تحت تأثیر قرار می‌دهد، بلکه بر کیفیت سود گزارش شده در صورت سود و زیان نیز تأثیرگذار است (پنمن و ژانگ، ۲۰۰۲). در این پژوهش همچون پژوهش‌های بنی‌مهد و باغبانی (۱۳۸۸) و مرادی و همکاران (۱۳۹۰) برای اندازه‌گیری محافظه‌کاری از مدل گیولی و هین^۱ (۲۰۰۰) استفاده شد. هر چه نسبت به دست آمده از این مدل بیشتر باشد، محافظه‌کاری بیشتر خواهد بود. مدل مورد استفاده توسط گیولی و هین (۲۰۰۰) برای اندازه‌گیری محافظه‌کاری به شرح رابطه (۲) می‌باشد:

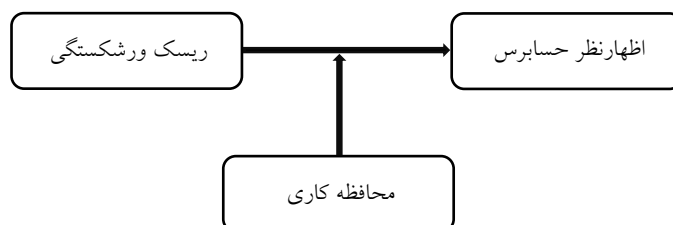
$$\text{رابطه (۲)} \quad (-1) * (AFCC_{it}/TA_{it})$$

AFCC نشان‌دهنده اقلام تعهدی عملیاتی و TA نشان‌دهنده ارزش دفتری دارایی‌ها است. در مدل بالا اقلام تعهدی عملیاتی از رابطه (۳) محاسبه می‌شود:

$$\text{رابطه (۳)} \quad AFCC_{it} = OP_{it} - CFO_{it} + DE_{it}$$

که DE نشان‌دهنده هزینه استهلاک است.

متغیرهای کنترلی این پژوهش بر اساس ادبیات مربوطه در زمینه اظهار نظر حسابر س در خصوص ابهام در تداوم فعالیت مشخص شدند (گون و همکاران، ۲۰۱۷؛ ریاد و یزگل، ۲۰۱۸). این متغیرها عبارتند از: اندازه شرکت‌ها (Size): این متغیر از طریق لگاریتم طبیعی کل دارایی‌های شرکت در پایان سال اندازه‌گیری شد. بازده کل دارایی‌ها (ROA): بازده کل دارایی‌ها شاخص میزان سودآوری شرکت بوده و از طریق سود خالص تقسیم بر کل دارایی‌های آن در پایان سال اندازه‌گیری شد. اهرم مالی (Lev): این متغیر از طریق تقسیم کل بدهی‌ها به کل دارایی‌های شرکت در پایان سال اندازه‌گیری شد. نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری حقوق صاحبان سهام (MTB): این متغیر از طریق تقسیم ارزش بازار سهام شرکت به حقوق صاحبان سهام آن در پایان سال اندازه‌گیری شد. نسبت جریان‌های نقد عملیاتی شرکت به کل دارایی‌ها (CFA): این متغیر از طریق تقسیم جریان‌های نقد ناشی از فعالیت‌های عملیاتی به کل دارایی‌های شرکت در پایان سال اندازه‌گیری شد. شکل ۱ مدل مفهومی پژوهش را به تصویر می‌کشد.



شکل ۱. مدل مفهومی پژوهش

جامعه و نمونه آماری

شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، جامعه آماری پژوهش حاضر را تشکیل می‌دهند. دوره مورد مطالعه مربوط به سال‌های ۱۳۹۶ الی ۱۴۰۰ می‌باشد. در این پژوهش از نمونه‌گیری آماری استفاده نمی‌شود؛ اما شرایط زیر برای انتخاب نمونه قرار داده شد:

سال مالی شرکت منتهی به پایان اسفند ماه هر سال باشد.

اطلاعات مالی و غیرمالی مورد نیاز به منظور استخراج داده‌های مورد نیاز در بازه زمانی ۱۳۹۶ الی ۱۴۰۰ در دسترس باشد و سهام آنها به‌طور فعال در بورس معامله شود (وقفه بیشتر از سه ماه نداشته باشند).

تا پایان سال مالی ۱۳۹۶ در بورس اوراق بهادار تهران پذیرفته شده باشد.

جزء بانک‌ها و مؤسسات مالی (شرکت‌های سرمایه‌گذاری، واسطه‌گری مالی، شرکت‌های هلدینگ و لیزینگ‌ها) نباشد؛ زیرا افشای اطلاعات مالی و ساختارهای راهبری شرکتی در آنها متفاوت است.

با توجه به بررسی‌های انجام شده، تعداد ۱۳۷ شرکت در دوره زمانی ۱۳۹۶ الی ۱۴۰۰ حائز شرایط فوق بوده و مورد بررسی قرار گرفته است.

مدل رگرسیونی مورد استفاده و آزمون معناداری ضرایب

در این پژوهش پس از اندازه‌گیری متغیرهای مورد استفاده در پژوهش، برای آزمون فرضیه‌ها از رگرسیون لجستیک استفاده شده است. بدین ترتیب، برای آزمون فرضیه‌های اول و دوم پژوهش، به ترتیب، از مدل‌های رگرسیون لجستیک زیر استفاده شد:

$$GCO_{it} = a_0 + a_1FB_{it+1} + a_2size_{it} + a_3ROA_{it} + a_4LEV_{it} + a_5MTB_{it} + a_6CFO_{it} + e_{it} \quad \text{رابطه (۴)}$$

$$GCO_{it} = a_0 + a_1FB_{it+1} + a_2AC_{it} + a_3FB_{it+1} * AC_{it} + a_4size_{it} + a_5ROA_{it} + a_6LEV_{it} + a_7MTB_{it} + a_8CFO_{it} + e_{it} \quad \text{رابطه (۵)}$$

GCO_{it} نشان‌دهنده اظهارنظر حسابرسان در خصوص ابهام در تداوم فعالیت، FB_{it+1} نشان‌دهنده ورشکستگی شرکت‌ها (در سال بعد)، AC_{it} نشان‌دهنده محافظه‌کاری حسابداری، $size_{it}$ نشان‌دهنده اندازه شرکت‌ها، ROA_{it} نشان‌دهنده بازده کل دارایی‌ها، LEV_{it} نشان‌دهنده اهرم مالی، MTB_{it} نشان‌دهنده نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری حقوق صاحبان سهام و CFO_{it} نشان‌دهنده نسبت جریان‌های نقد عملیاتی به کل دارایی‌ها است.

آمار توصیفی متغیرهای پژوهش

جدول ۱ آماره‌های توصیفی متغیرهای پژوهش را نشان می‌دهد. در این جدول میانگین، انحراف معیار، کشیدگی و چولگی متغیرها نشان داده شده است.

جدول ۱. آماره‌های توصیفی متغیرهای پژوهش

متغیر	میانگین	انحراف معیار	کشدگی	چولگی
اظهار نظر حسابرِس	۰/۰۷۵	۰/۲۶۳	۲/۴۹۱	۳/۲۳۷
ورشکستگی شرکت	۲/۵۰۴	۱/۱۴۰	۰/۵۸۳	۰/۹۲۹
محافظه‌کاری حسابداری	۰/۰۵۶	۰/۰۴۰	۲/۷۳۱	۲/۳۱۰
اندازه شرکت	۶/۰۵۲	۰/۶۱۰	۱/۷۵۲	۰/۷۶۷
بازده دارایی‌ها	۰/۰۹۱	۰/۱۴۹	۲/۸۵۴	-۰/۰۶۹
اهرم مالی	۰/۶۱۸	۰/۲۳۵	۳/۰۱۳	۰/۸۲۰
نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری	۱/۱۵۴	۰/۳۷۶	۳/۱۲۳	۱/۲۹۰
جریان‌های نقد عملیاتی	۰/۲۱۴	۰/۲۲۶	۰/۹۸۸	۱/۳۰۲

آمار استنباطی

نتایج تخمین مدل (۱) برای بررسی فرضیه اول به شرح زیر است:

جدول ۲. نتایج حاصل از تخمین فرضیه اول

$$GCO_{i,t} = \beta_0 + \beta_1 FB_{i,t+1} + \beta_2 Size_{i,t} + \beta_3 Roa_{i,t} + \beta_4 Lev_{i,t} + \beta_5 MTB_{i,t} + \beta_6 CFO_{i,t} + \varepsilon_{i,t}$$

متغیر	ضریب برآوردی	خطای استاندارد	آماره Z	احتمال
مقدار ثابت (عرض از مبدأ)	-۲/۷۷۹	۱/۱۲۸	-۲/۴۶۲	۰/۰۱۳
ورشکستگی شرکت	۰/۸۸۸	۰/۰۸۴	۱۰/۴۸۸	۰/۰۰۰
محافظه‌کاری حسابداری	-۰/۵۸۸	۰/۱۷۳	-۳/۳۹۱	۰/۰۰۰
اندازه شرکت	۲/۴۷۱	۰/۸۶۲	۲/۸۶۷	۰/۰۰۰
بازده دارایی‌ها	۱/۱۷۳	۰/۵۴۴	۲/۱۵۶	۰/۰۰۴
اهرم مالی	۰/۸۱۹	۰/۳۴۳	۲/۳۸۴	۰/۰۳۱
نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری	۰/۶۴۵	۰/۳۷۴	۱/۷۱۶	۰/۰۸۶
ضریب تعیین مک فادان	۰/۴۸۵			
آماره نسبت درست‌نمایی	۱۷۶/۴۶۹			
احتمال (آماره درست‌نمایی)	۰/۰۰۰			

در تحلیل رگرسیون لجستیک برای ارزیابی نیکویی برازش کل مدل از آزمون نسبت درست‌نمایی LR استفاده می‌شود که آماره آن کای اسکور می‌باشد. بنابراین در اینجا آماره کای اسکور معادل آماره F در تحلیل رگرسیون خطی است. نسبت درست‌نمایی بر اساس تفاوت در مقدار انحراف‌ها محاسبه می‌شود. یعنی انحراف بدون وجود متغیر پیش‌بین در مدل منهای انحراف با وجود متغیر پیش‌بین در مدل. با توجه به جدول فوق سطح معنی داری آزمون مدل برابر صفر بوده و از خطای ۰/۰۵ کوچکتر می‌باشد، لذا نیکویی برازش مدل قابل قبول است.

ضریب تعیین مک فادان معادل ضریب تعیین R^2 در رگرسیون خطی هست که در رگرسیون لجستیک استفاده می‌شود. از ضریب تعیین مک فادان برای این کار استفاده می‌شود تا مشخص گردد که متغیرهای مستقل و کنترلی تا چه حد توانسته‌اند میزان متغیر وابسته را تبیین کنند. مقادیر آماره‌های ضریب بین ۱ تا ۰ می‌باشد و هر چه قدر به ۱ نزدیک‌تر باشند بهتر است. در این پژوهش، مقدار ضریب تعیین مک فادان برابر $0/485$ بوده، بدین معنی که متغیرهای مستقل و کنترلی، تقریباً ۴۸ درصد از تغییرات در متغیر اظهارنظر حسابرس در خصوص ابهام در تداوم فعالیت را توضیح می‌دهد و مابقی متأثر از سایر عواملی است که در این پژوهش بررسی نشده‌اند.

همچنین برای بررسی معنی دار بودن ضرایب مدل از آماره والد Z استفاده می‌شود. این آماره معادل آماره t استیودنت در رگرسیون خطی می‌باشد. در تفسیر آماره والد، چنان چه مقدار این آماره برای هر متغیر در سطح خطای کوچک‌تر از $0/05$ معنی دار باشد در آن صورت متغیر در مدل مفید و اثر آن معنی دار است.

بر اساس نتایج ارائه شده در جدول (۲) مقدار احتمال آماره Z مربوط متغیر ورشکستگی شرکت برابر $0/000$ کوچکتر از $0/05$ بوده و ضریب آن برابر $0/888$ مثبت و معنی دار می‌باشد. بنابراین می‌توان گفت بین ورشکستگی در شرکت‌ها و اظهارنظر حسابرس در مورد ابهام در تداوم فعالیت شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران رابطه مستقیم و معنی داری وجود دارد. لذا فرضیه اول با اطمینان ۹۵ درصد تأیید می‌شود.

جدول ۳. نتایج حاصل از تخمین فرضیه دوم

$$GCO_{i,t} = \beta_0 + \beta_1 FB_{i,t+1} + \beta_2 AC_{i,t} + \beta_3 FB_{i,t+1} * AC_{i,t} + \beta_4 Size_{i,t} + \beta_5 Roa_{i,t} + \beta_6 Lev_{i,t} + \beta_7 MTB_{i,t} + \beta_8 CFO_{i,t} + \varepsilon_{i,t}$$

متغیر	ضریب برآوردی	خطای استاندارد	آماره Z	احتمال
مقدار ثابت (عرض از مبدأ)	-۳/۴۵۶	۱/۲۷۵	-۲/۷۱۰	۰/۰۰۶
ورشکستگی شرکت	۰/۳۴۰	۰/۰۹۳	۳/۶۵۶	۰/۰۰۰
محافظه‌کاری حسابداری	۰/۸۵۶	۰/۲۹۰	۲/۹۴۴	۰/۰۰۷
محافظه‌کاری حسابداری* ورشکستگی شرکت	۰/۹۸۵	۰/۲۱۹	۴/۴۸۲	۰/۰۰۰
اندازه شرکت	۲/۷۹۵	۰/۸۸۶	۳/۱۵۳	۰/۰۰۱
بازده دارایی‌ها	۱/۳۰۸	۰/۶۱۵	۲/۱۲۴	۰/۰۳۳
اهرم مالی	۰/۴۹۳	۰/۲۸۷	۱/۷۱۴	۰/۰۸۶
نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری	۰/۰۰۰	۰/۴۵۴	۰/۰۰۲	۰/۹۹۸
ضریب تعیین مک فادان	۰/۵۹۲			
آماره نسبت درست‌نمایی	۳۰۹/۲۷۶			
احتمال (آماره درست‌نمایی)	۰/۰۰۰			

با توجه به جدول فوق سطح معنی‌داری آزمون نسبت درست‌نمایی مدل برابر صفر بوده و از خطای $0/05$ کوچکتر می‌باشد، لذا نیکویی برازش مدل قابل قبول است. همچنین مقدار ضریب تعیین مک فادان برای مدل برابر $0/952$ بوده

بدین معنی که متغیرهای مستقل و کنترلی، تقریباً ۵۹ درصد از تغییرات در متغیر اظهار نظر حسابرس در خصوص ابهام در تداوم فعالیت را توضیح می‌دهد.

بر اساس نتایج ارائه شده در جدول ۳ مقدار احتمال آماره T مربوط متغیر ورشکستگی شرکت برابر ۰/۰۰۰ کوچکتر از ۰/۰۵ بوده و ضریب آن برابر ۰/۳۴۰ مثبت و معنی دار می‌باشد. همچنین مقدار احتمال آماره T مربوط متغیر حاصل ضرب محافظه‌کاری حسابداری در ورشکستگی شرکت برابر ۰/۰۰۰ کوچکتر از ۰/۰۵ بوده و مقدار ضریب این متغیر برابر ۰/۹۸۵ است که بیشتر از ضریب متغیر ورشکستگی شرکت (۰/۳۴۰) به تنهایی می‌باشد. این مقدار نشان می‌دهد که محافظه‌کاری حسابداری شدت ارتباط بین ورشکستگی در شرکت‌ها و اظهار نظر حسابرس در مورد ابهام در تداوم فعالیت را افزایش می‌دهد. لذا نقش تعدیل‌کنندگی متغیر محافظه‌کاری حسابداری در رابطه بین ورشکستگی در شرکت‌ها و اظهار نظر حسابرس در مورد ابهام در تداوم فعالیت تایید شده و فرضیه دوم با اطمینان ۹۵ درصد تایید می‌شود.

بحث و نتیجه‌گیری

محصول نهایی حسابرسی یک واحد تجاری، گزارشگری است که در آن، حسابرسان نسبت به صورت‌های مالی صاحبکار ارائه می‌کنند. شهادت‌دهی حسابرسان در قالب اظهار نظر حرفه‌ای آن‌ها بیان می‌شود. شهادت بیانگر اظهار نظر و عقیده حسابرس در رابطه با میزان انطباق اطلاعات گزارش شده با معیارهای از قبل تعیین شده است. شهادت‌دهی عبارت است از گزارش قضاوتی، بر مبنای شواهد متقاعدکننده، توسط فردی مستقل، ذی صلاح و مطلع، در خصوص درجه انطباق تمامی جوانب با اهمیت اطلاعات حسابداری گزارش شده توسط یک بنگاه با معیارهای از قبل تعیین شده (نیکخواه آزاد، ۱۳۷۹).

حسابرس در جریان برنامه‌ریزی و اجرای روش‌های حسابرسی و ارزیابی نتایج حاصل از آن باید مناسب بودن استفاده مدیریت را از فرض تداوم فعالیت در تهیه صورت‌های مالی، بررسی کند. فرض تداوم فعالیت، یک اصل بنیادی در تهیه صورت‌های مالی است. طبق فرض تداوم فعالیت، واحد مورد رسیدگی معمولاً به‌عنوان واحدی فرض می‌شود که در آینده قابل پیش‌بینی به فعالیت خود ادامه می‌دهد و قصد یا الزامی برای انحلال، توقف فعالیت، یا کاهش قابل توجه در حجم عملیات را ندارد. بنابراین، دارایی‌ها و بدهی‌ها بر مبنای توانایی واحد مورد رسیدگی در بازیافت دارایی‌ها و تسویه بدهی‌ها در جریان عادی فعالیت‌های تجاری، ثبت می‌شود.

مطابق با بند ۲۰ استاندارد حسابداری شماره ۱، "مدیریت در زمان تهیه صورت‌های مالی باید توان ادامه فعالیت واحد تجاری را ارزیابی کند. صورت‌های مالی باید بر مبنای تداوم فعالیت تهیه شود، مگر این که مدیریت قصد انحلال یا توقف عملیات واحد تجاری را داشته باشد، یا عملاً ناچار به انجام این امر شود. در مواردی که مدیریت از رویدادها و شرایطی آگاهی یابد که ممکن است ابهام با اهمیت نسبت به توانایی تداوم فعالیت واحد تجاری ایجاد کند، این ابهام باید افشا شود. چنانچه صورت‌های مالی بر مبنای تداوم فعالیت تهیه نشود، این واقعیت باید همراه با مبنای تهیه صورت‌های مالی و این که چرا واحد تجاری فاقد تداوم فعالیت تلقی شده است، افشا شود." همچنین، مطابق با بند ۲۲ همین استاندارد، "مدیریت برای ارزیابی تداوم فعالیت، تمام اطلاعات موجود در خصوص آینده قابل پیش‌بینی

(حداقل ۱۲ ماه پس از تاریخ ترازنامه) را بررسی می‌کند. میزان این بررسی به واقعیات موجود در هر مورد بستگی دارد. در مواردی که واحد تجاری دارای سابقه سودآوری است و به‌آسانی به منابع مالی دسترسی دارد، نتیجه‌گیری درباره مناسب بودن کاربرد مبنای تداوم فعالیت برای واحد تجاری می‌تواند بدون تجزیه و تحلیل تفصیلی، امکان‌پذیر باشد. در غیر این صورت، برای ارزیابی تداوم فعالیت ممکن است بررسی مواردی از قبیل عوامل مؤثر بر سودآوری جاری و مورد انتظار، جداول زمانی بازپرداخت بدهی‌ها و منابع بالقوه تامین مالی ضروری باشد.^۱ نیوتن (۱۹۹۸) مراحل نامطلوب شدن وضع مالی شرکت را به دوره نهفتگی، کسری وجه نقد، ناتوانی پرداخت دیون مالی یا تجاری، ناتوانی پرداخت کامل دیون و در نهایت ورشکستگی تقسیم کرد. اگرچه اغلب ورشکستگی‌ها از این مراحل پیروی می‌کنند، اما برخی شرکت‌ها ممکن است بدون طی همه این مراحل به ورشکستگی کامل برسند. در مرحله نهفتگی ممکن است یک یا چند وضعیت نامطلوب به طور پنهانی برای واحد تجاری وجود داشته باشد بدون اینکه بلافاصله قابل شناسایی باشد. به‌عنوان نمونه، تغییر در تقاضای تولید، استمرار افزایش در هزینه‌های سربار، منسوخ شدن روش‌های تولید و غیره از این عوامل هستند. اغلب در دوره نهفتگی است که زیان اقتصادی رخ می‌دهد و بازده دارایی‌ها سقوط می‌کند. بهترین وضع برای شرکت این است که مشکل در همین مرحله کشف شود. نکته دوم اینکه راه‌حل‌های آسان‌تری که در این مرحله مؤثر است در مراحل بعدی پاسخگو نخواهد بود. نکته سوم، اگر مشکل در همین مرحله کشف و رفع شود، اعتماد عمومی دستخوش تزلزل نخواهد شد. برطرف‌ساختن مشکل در مراحل بعدی باعث کاهش اعتماد عمومی به شرکت می‌شود و در نتیجه دسترسی به وجوه دشوارتر می‌شود و شاید شرکت ناچار به رد پروژه‌های سودآور شود. مرحله کسری وجه نقد وقتی شروع می‌شود که برای اولین بار یک واحد تجاری برای ایفای تعهدات جاری یا نیاز فوری، دسترسی به وجه نقد نداشته باشد؛ گرچه چند برابر نیازش ممکن است دارایی‌های فیزیکی داشته و سابقه سودآوری کافی نیز داشته باشد، اما دارایی‌ها به قدر کافی قابل تبدیل به وجه نقد نیستند و سرمایه حبس شده است. در مرحله نبود قدرت پرداخت دیون مالی یا تجاری، مدیریت ابزارهای مناسبی مانند استفاده از افراد حرفه‌ای مالی یا تجاری، کمیته اعتباردهنده و تجدید ساختار در تکنیک‌های تأمین مالی را در اختیار دارد و شرکت هنوز قادر به تحصیل وجه نقد کافی است. از طریق این روش‌ها هنوز هم می‌توان مشکل را در این مرحله شناسایی و برطرف کرد. در مرحله ناتوانی پرداخت کامل دیون، شرکت رو به نابودی رفته است، کل بدهی‌ها از ارزش دارایی‌های شرکت بیشتر است و شرکت دیگر نمی‌تواند از ورشکستگی کامل خود جلوگیری کند.

این پژوهش به اظهارنظر حسابرس در خصوص ابهام در مورد فرض تداوم فعالیت و ورشکستگی شرکت‌ها با در نظر گرفتن نقش تعدیل‌کنندگی محافظه‌کاری حسابداری در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران پرداخته است. نتایج حاصل از فرضیه اول نشان می‌دهد که بین ورشکستگی و اظهارنظر حسابرس در مورد ابهام در تداوم فعالیت شرکت‌ها در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران رابطه مستقیم و معنی‌داری وجود دارد. بنابراین اگر حساب‌برسان در شرکتی متوجه ورشکستگی و عدم ادامه حیات شرکت شوند در اظهارنظر رسمی آنان حتماً تأثیر خواهد داشت و ورشکستگی را در گزارش‌های خود لحاظ می‌کنند. نتایج این فرضیه از پژوهش حاضر مطابق با پژوهش ریاد و یزگل (۲۰۱۸) می‌باشد. همچنین نتایج حاصل از فرضیه دوم نقش تعدیل‌کنندگی متغیر محافظه‌کاری

^۱. Newton

حسابداری در رابطه بین ورشکستگی و اظهار نظر حسابرسان در مورد ابهام در تداوم فعالیت شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران تأیید کرده است. نتایج این فرضیه از پژوهش حاضر مطابق با پژوهش سمائی رهنی و پورسازان (۱۳۹۷) می‌باشد که می‌توان نتیجه گرفت که شرکت‌های در حال ورشکستگی و افول معمولاً محافظه‌کاری و احتیاط را در تمام عملیات‌های شرکت خود لحاظ می‌کنند. مثلاً سود را کمتر، اخبار بد را انتشار نمی‌دهند، میزان دارایی‌ها را غیر واقعی گزارش می‌کنند. با توجه به نتایج فرضیه اول پیشنهاد می‌گردد افرادی که قصد سرمایه‌گذاری و خرید سهام شرکتی را دارند، با دقت گزارش‌های هیأت مدیره و حسابرسان را بررسی نمایند تا اگر موردی از ورشکستگی و موضوعی در خصوص عدم کاهش تولید و موارد ابهام مطرح شده باشد، آگاهانه‌تر تصمیم‌گیری نمایند. با توجه به فرضیه دوم تحقیق پیشنهاد می‌گردد شرکت‌های که در مسیر افول و ورشکستگی قرار دارند، دلایل آن‌را به سهامداران گزارش نمایند و از پنهان کاری و محافظه‌کاری در گزارشات و صورت‌های مالی بپرهیزند. جهت پژوهش‌های آتی با توجه با اینکه بانک‌ها و سایر شرکت‌های واسطه‌گری مالی از نمونه پژوهش حذف شده بودند، پیشنهاد می‌شود پژوهشگران در آینده آن را مورد بررسی قرار دهند.

فهرست منابع

- انصاری، منوچهر، رحمانی یوشانلوئی، حسین، رحمانی، کمال الدین، پاسبانی، محمد، و عسگری، محمد علی. (۱۳۹۲). ارائه مدل مفهومی تأثیر موفقیت پیاده‌سازی مدیریت دانش بر کسب مزیت رقابتی در شرکتهای کوچک و متوسط (SMEs). مدیریت بازرگانی، ۵(۱)، ۴۰-۲۱.
- بهارمقدم، مهدی، صالحی، تابنده، و اعظمی، زینب. (۱۳۹۶). رابطه بین توانایی مدیریت، حق الزحمه حسابرسان و تداوم فعالیت در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. پژوهش‌های حسابداری مالی، دوره نهم، شماره ۲، ۴۴-۲۳.
- بنی‌مهد، بهمن، و باغبانی، تهمینه. (۱۳۹۰). اثر محافظه‌کاری حسابداری، مالکیت دولتی، اندازه شرکت و نسبت اهرمی بر زیان‌دهی شرکت‌ها. بررسی‌های حسابداری و حسابرسان، ۱۶(۴)، ۵۳-۷۰.
- بهبودیان، جواد. (۱۳۷۲). آمار و احتمال مقدماتی. چاپ پنجم. مشهد: مؤسسه چاپ و انتشارات آستان قدس رضوی.
- پیری، پرویز، دیدار، حمزه، و دانشیار، فاطمه. (۱۳۹۳). بررسی رابطه بین کیفیت گزارشگری مالی با نوع اظهار نظر حسابرسان در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. پژوهش‌های کاربردی در گزارشگری مالی، سال سوم، شماره ۵، ۷۴-۷۶.
- حافظ نیا، محمد رضا. (۱۳۸۵). مقدمه‌ای بر روش پژوهش در علوم انسانی، چاپ دوازدهم. تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب درسی علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت).
- حساس یگانه، یحیی. (۱۳۸۴). فلسفه‌ی حسابرسان، چاپ اول. تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.

- حساس یگانه، یحیی، و یعقوبی منش، سارا. (۱۳۸۲). تأثیر گزارش‌های حسابرسی بر قیمت سهام. *مطالعات حسابداری*، شماره ۳، ۲۷-۵۸.
- خدادادی، ولی، واعظ، سیدعلی و امامی نائینی، محمدرضا. (۱۳۹۶). توسعه الگوهای پیش‌بینی و ارزشیابی اولسون (۱۹۹۵) با لحاظ کردن ریسک ورشکستگی. *مدیریت دارایی و تأمین مالی*، سال پنجم، شماره ۱، ۹۹-۱۱۶.
- خواجوی، شکرالله، و قدیریان آرانی، محمد حسین. (۱۳۹۷). توانایی مدیران، عملکرد مالی و خطر ورشکستگی. *دانش حسابداری*، دوره نهم، شماره ۱، ۳۵-۶۱.
- دارابی، رویا، و رضائی جعفری، عاطفه (۱۳۹۰). تأثیر بندهای گزارش حسابرس مستقل بر شفافیت گزارش‌های مالی. *حسابداری مدیریت*، شماره ۱۳، ۷۹-۹۶.
- سمائی‌رهنی، سعید، و پورساسان، سیمین. (۱۳۹۷). بررسی تأثیر محافظه‌کاری مشروط و غیرمشروط بر اظهارنظر حسابرس در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، *مجله بررسی‌های حسابداری*، شماره ۱۹، ۹۳-۱۱۲.
- شباهنگ، رضا. (۱۳۸۳). *تئوری حسابداری*، جلد اول، سازمان حسابداری، نشریه ی ۱۵۷.
- شورورزی، محمدرضا، و برزگر خاندوزی، عابدین. (۱۳۸۸). نبود تقارن اطلاعاتی و نقش اطلاعاتی محافظه‌کاری: بررسی دیدگاه‌های متفاوت در باب محافظه‌کاری. *حسابدار*، شماره ۲۱۰، ۵۶-۶۳.
- کمیته تدوین استانداردهای حسابداری (۱۳۸۸). *استانداردهای حسابداری*. چاپ شانزدهم، تهران، انتشارات سازمان حسابداری.
- همت فر، محمود، یعقوب پور، کریم، و امام دوست، اصغر. (۱۳۸۹). بررسی شکاف انتظارات بین حسابرسان و استفاده کنندگان در مورد ویژگی‌های حسابرسان مستقل. *دانش حسابداری*، ۷۱-۸۰.
- Basu, S. (1997). The conservatism principle and the asymmetric timeliness of earnings. *Journal of accounting and economics*, 24(1), 3-37.
- Chen, L. H., Folsom, D. M., Paek, W., & Sami, H. (2014). Accounting conservatism, earnings persistence, and pricing multiples on earnings. *Accounting Horizons*, 28(2), 233-260.
- Chen, Y., Eshleman, J. D., & Soileau, J. S. (2017). Business strategy and auditor reporting. *Auditing: A Journal of Practice & Theory*, 36(2), 63-86.
- Devine, C. T. (1963). The rule of conservatism reexamined. *Journal of Accounting Research*, 127-138.
- Dichev, I. D. (1998). Is the risk of bankruptcy a systematic risk?. *the Journal of Finance*, 53(3), 1131-1147.
- Feldmann, D. A., & Read, W. J. (2010). Auditor conservatism after Enron. *Auditing: A Journal of Practice & Theory*, 29(1), 267-278.
- Feldman, D. C. (2004). The devil is in the details: Converting good research into publishable articles. *Journal of management*, 30(1), 1-6.
- Financial Accounting Standards Board (FASB). (1980). *Statement of Financial Accounting Concepts no. 2, Qualitative Characteristics of Accounting Information*. FASB, Norwalk, CT.

- Foster, B. P., & Shastri, T. (2016). Determinants of going concern opinions and audit fees for development stage enterprises. *Advances in Accounting*, 33, 68-84.
- Francis, J., LaFond, R., Olsson, P. M., & Schipper, K. (2004). Costs of equity and earnings attributes. *The accounting review*, 79(4), 967-1010.
- Geiger, M. A., Raghunandan, K., & Rama, D. V. (2005). Recent changes in the association between bankruptcies and prior audit opinions. *Auditing: A Journal of Practice & Theory*, 24(1), 21-35.
- Givoly, D., & Hayn, C. (2000). The changing time-series properties of earnings, cash flows and accruals: Has financial reporting become more conservative?. *Journal of accounting and economics*, 29(3), 287-320.
- Givoly, D., Hayn, C. K., & Natarajan, A. (2007). Measuring reporting conservatism. *The Accounting Review*, 82(1), 65-106.
- Gunn, J. L., Hallman, N., Li, C., & Pittman, J. (2017). The importance of information asymmetry to auditor choice, audit fees, and going concern opinions: Evidence from exploiting exogenous shifts in analyst coverage. *Audit Fees, and Going Concern Opinions: Evidence from Exploiting Exogenous Shifts in Analyst Coverage (May 1, 2017)*.
- Hendel, I. (1996). Competition under financial distress. *The Journal of Industrial Economics*, 309-324.
- Kahl, M. (2002). Economic distress, financial distress, and dynamic liquidation. *The Journal of Finance*, 57(1), 135-168.
- Kida, T. (1980). An investigation into auditors' continuity and related qualification judgments. *Journal of accounting Research*, 506-523.
- Lafond, R., & Roychowdhury, S. (2008). Managerial ownership and accounting conservatism. *Journal of accounting research*, 46(1), 101-135.
- Mutchler, J. F. (1984). Auditor's Perceptions of the Going-Concern Opinion Decision. *Auditing: A Journal of Practice & Theory*, 3(2).
- Penman, S. H., & Zhang, X. J. (2002). Accounting conservatism, the quality of earnings, and stock returns. *The accounting review*, 77(2), 237-264.
- Price III, R. A. (2005). *Accounting conservatism and the asymmetry in the earnings response to current and lagged returns*. Stanford University.
- Read, W. J., & Yezegel, A. (2018). Going-concern opinion decisions on bankrupt clients: Evidence of long-lasting auditor conservatism?. *Advances in Accounting*, 40, 20-26.
- Senbet, L. W., & Wang, T. Y. (2012). Corporate financial distress and bankruptcy: A survey. *Foundations and Trends® in Finance*, 5(4), 243-335.
- Sterling, R. R. (1970). *The theory of the measurement of enterprise income*. Lawrence, KS: University of Kansas Press.
- Stickney, C. P. & R. L. Weil (1994). *Financial Accounting: An Introduction to Concepts, Methods, and Uses*, 7th edition. The Dryden Press Harcourt Brace College Publishers, Forth Worth, TX.
- Wagenhofer, A., & Dücker, H. (2007). Die Messung von „Earnings“-Qualität. *Journal für Betriebswirtschaft*, 57, 263-297.
- Watts, R. L. (2003). Conservatism in accounting part I: Explanations and implications. *Accounting horizons*, 17(3), 207-221.
- Watts, R.L. & J. L. Zimmerman. (1986). *Positive Accounting Theory*. Prentice-Hall Inc, Englewood Cliffs, N.J.
- Wolk, H. I., Francis, J. R. & M. G. Tearny (1989). *Accounting theory: A conceptual and institutional approach*. Boston.